

یک فعال سیاسی اصولگرا با اشاره به توتیبت علی اکبر ولایتی مبنی بر تغییر برخی رویکردهای اجتماعی حاکمیت و محور قراردادن رضایت مردم در جهت حفظ انسجام ملی عنوان کرد: فکر می‌کنم اگر بخواهیم آدم‌های صادقی باشیم و روی مردم ایران بر مبنای عدالت قضاوت کنیم، باید تعریف‌مان از مردم ایران را تغییر دهیم. یعنی یک تعریف به روز از مردم ایران داشته باشیم. منصور حقیقت پور گفت: این مردم تحت فشارهای فراوان، مضیقه‌های معیشتی و بحران‌های اقتصادی قرار دارند و در این شرایط، به‌ویژه طی دوازده روز جنگ تحمیلی، به طرز شگفت‌انگیزی درخشیدند. همه ما به این مردم که مردم باشرف، وطن پرست و فهیم هستند، افتخار می‌کنیم. این فعال سیاسی تصریح کرد: بحث من این است که آیا ما با همین القابی که به مردم می‌دهیم و آن‌ها را وطن پرست، باشرف و فهیم می‌دانیم، نوع برخورد حاکمیتی‌مان با مردم هم همین‌طور است؟ آیا واقعاً مردم را ولی نعمت خود می‌دانیم یا در مراحل مختلف مردم زیر چرخ‌دنده‌های حکمرانی ما خرد می‌شوند؟ وقتی در اداره‌ها و نهادهای مختلف به دنبال حق خود هستیم، با چه برخوردی مواجه می‌شویم؟ من با ناراحتی تمام می‌گویم وقتی به دنبال پیگیری کاری در یک اداره هستیم اگر رشوه ندهید کار پیش نمی‌رود. آیا این نحوه برخورد با مردم فهیم، باغیرت، بصیر و باشعور است؟ حقیقت‌پور عنوان کرد: حاکمیت باید رفتارش را نسبت به مردم تغییر دهد. من این را در یک جلسه هم گفته‌ام، ما باید رفتار کرامت پایه با مردم داشته باشیم. یعنی مردم را عزیز بدانیم، همان‌طور که علی بن ابی‌طالب (ع) به ما موخت و خودش هم این کار را انجام داده است، اما ما این کار را نمی‌کنیم و باید تجدید نظر کنیم. ما در قوانین و مقررات، امور اداری و احترام به منزلت اجتماعی مردم این رفتار را انجام نمی‌دهیم. ما اصلاً رعایت منزلت اجتماعی مردم را نمی‌کنیم به عنوان مثال، در روز معلم، اگر معلمی وارد اداره‌ای شود، آیا عوامل اداره به پاس احترام بلند می‌شوند؟ وی ادامه داد: به نظر من جامعه‌شناسان باید به کمک دولت بیابند و پس از جنگ ۱۲ روزه آیین نامه و دکترین جدیدی برای تکریم و احترام به مردم تدوین کنند. نحوه صحبت و نگرش ما به مردم باید مدنظر قرار گیرد و هیچ وجه نباید خود را از آن جدا کنیم. مردم باید احساس کنند که عزیزند و در روز می‌آید به داد جمهوری اسلامی ایران برسند و جمهوری اسلامی ایران را پیروز یک نبرد نامتعادل کنند. این فعال سیاسی اصولگرا تأکید کرد: یک مورد از این موارد، عفاف و حجاب و یک مورد دیگر فیلترینگ است. مگر نمی‌گوییم مردم بصیر، مردم بصیر ما فیلترشکن داشتند، اما گوش به حرف‌های رسانه‌ها و شبکه اجتماعی بیگانه ندادند. این مردم هم از کشور و مردم دفاع کردند؛ به‌طور مثال ما باید با ایرانی‌های خارج از کشور با احترام برخورد کنیم و حتی برای آن‌ها فرش قرمز بپندازیم. حالا ممکن است جرائم کوچکی هم داشته باشند، یک جاست‌های هم علیه ما حرف زده باشند اما باید بیابند. در یک کلام، مردم شایسته بهترین‌ها هستند، بهترین دیدن و بهترین شنیدن. مردم می‌خواهند حرف‌شان شنیده شود و دیده شوند. ما نمی‌توانیم در شرایط مطلوب زندگی کنیم و مردم در شرایط سخت و بدون امکانات اولیه برق و آب باشند.

یک عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با اشاره به تأکید مسئولین درباره تشدید مشکلات در زمینه تأمین منابع آبی کشور بیان کرد: بر این اساس، طی دوساله گذشته طرح‌های اولویت‌داری را مدنظر قرار دادیم و تقریباً بودجه این حوزه در سال ۱۴۰۴، ۴۸ درصد نسبت به بودجه سال ۱۴۰۳ افزایش پیدا کرد. محسن زنگنه با بیان اینکه ۱۷۸ طرح آبشاری در کشور ثبت شده است، بیان کرد: عملیاتی شدن این طرح‌ها تقریباً به ۴۹۴ همت منابع نیاز دارد؛ از این رو به گفته مسئولین، در سال جاری برای این ۱۷۸ طرح آبرسانی، ۲۳ همت منابع تخصیص یافته است. این نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به موضوع «ک پروژه» که به عنوان آبرسانی به شهرهای دارای تنش آبی شناخته می‌شود، بیان کرد: تقریباً ۶۵ پروژه ذیل شهرهای دارای تنش آبی تعریف شده اند؛ در این بخش ما به ۲۱۰ همت منابع نیاز داریم تا این طرح‌ها را به اتمام برسانیم. از این رو طبق گفته مسئولین در سال جاری ۴۰۲ همت منابع به این بخش تخصیص داده شده است. عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با اشاره به تعریف طرح‌های مطالعاتی و زیرساختی از سوی وزارت نیرو بیان کرد: این طرح‌ها جدای از طرح‌های زه کشی و سدسازی است. از این رو در این بخش ۲۲ طرح حاکمیتی تعریف شده که در برای این بخش هم در سال جاری ۴ هزار ۵۰۰ همت منابع تخصیص شده است و تقریباً ۱۰۰ درصد نسبت به سال گذشته رشد منابع را شاهد هستیم.

صادق زیباکلام در گفت وگو با «آرمان ملی»:

اپوزیسیون واقعی می‌تواند عامل ارتقای نظام شود



نیازمند فضایی باز سیاسی هستیم

اپوزیسیون تهدید نیست بلکه فرصت است

آرمان ملی – سیاوش پورعلی: در روزگار کنونی که تحولات سیاسی، اجتماعی و امنیتی کشور ابعاد تازه‌ای یافته‌اند، مسأله گفت‌وگو میان حاکمیت و نیروهای منتقد و مخالف، بیش از هر زمان دیگری به یکی از محورهای اصلی گفت‌مان سیاسی بدل شده است. طرح موضوع گفت‌وگو با اپوزیسیون از سوی مسئولان از جمله مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، نه تنها پریش‌هایی را در سطح افکار عمومی برانگیخته، بلکه یار دیگر ضرورت بازتعریف مفاهیم کلیدی مانند اینکه اپوزیسیون چیست و همین‌طور اپوزیسیون کیست خواهم پرداخت. در چنین شرایطی، درک

◀ به دلیل تعاریف بعضاً سخت و پیچیده چه بسا بسیاری از شهروندان اساساً ندانند که اپوزیسیون به چه معنا است و چه طیف‌های سیاسی در این دایره قرار می‌گیرند. از جناب‌عالی خواجه‌شمندیم بفرمایید اصولاً معنای اپوزیسیون چیست و در بستر جامعه فعلی ایران، این اصطلاح به چه طیف‌های سیاسی گفته می‌شود؟

بیبیند، اصطلاح اپوزیسیون واژه‌ای است که در جوامع دموکراتیک به کار می‌رود؛ در کشورهایی که در آن مسائلی از قبیل آزادی بیان، حاکمیت قانون، انتخابات آزاد و پاسخگویی نهادینه شده است. در این جوامع، اپوزیسیون جایگاه مشخصی دارد. برای مثال، در کشوری مانند انگلستان، هنگامی که در مورد واژه اپوزیسیون صحبت می‌شود، یعنی اگر حزب کارگر در رأس قدرت باشد، حزب محافظه‌کار به عنوان اپوزیسیون شناخته می‌شود یا در فرانسه، هنگامی که گفته می‌شود فرد یا حزبی اپوزیسیون آقای مکرون است، منظور احزاب و تشکل‌های سیاسی هستند که با حزب حاکم اختلاف نظر دارند. در هند، ژاپن و سایر کشورها نیز وضع به همین منوال است. در جمهوری اسلامی ایران، واژه اپوزیسیون تا چند سال پیش، عملاً فاقد معنا و کاربرد بود و اساساً چنین مفهومی تحمل نمی‌شد. هر فردی که از عملکرد نظام انتقاد می‌کرد یا با سیاست‌های آن مخالفت می‌نمود، اپوزیسیون نامیده نمی‌شد. بلکه اگر این انتقادات جدی بود، به اقدام علیه امنیت ملی، نشر اکاذیب، تلاش برای تضعیف دولت یا تبلیغ علیه نظام متهم می‌شد و موارد مشابه. با این حال، از اواخر دهه ۱۳۹۰، واژه اپوزیسیون به‌طور جدی‌تر و رسمی‌تر وارد گفت‌مان سیاسی کشور شد. اپوزیسیون به‌اشخاص یا جریان‌های سیاسی‌ای اطلاق می‌شود که خواهان براندازی نظام جمهوری اسلامی هستند. البته این براندازی از سوی برخی به‌طور شفاف و صریح عنوان می‌شود، برخی دیگر نیز با ادبیات ملایم‌تری مانند عبور از نظام آن‌را مطرح می‌کنند. بنابراین، اپوزیسیون در ایران با معنایی که در جوامع دموکراتیک از آن برداشت می‌شود، متفاوت است. در ژاپن یا هند، وقتی گفته می‌شود فلا‌ن حزب اپوزیسیون است، به معنای مخالفت با دولت وقت است، نه اینکه بخواهد نظام را سرنگون کند، اما در ایران از این واژه همان معنای گفته شده برمی‌آید و به تغییر کلی نظر دارد.

◀ باتوجه به این تعریف و بیان تفاوت‌ها به نظر شما چرا رئیس جمهوری چنین موضوعی را آن‌هم در این شرایط، بیان کرده‌اند؟



صحیح از چیستی اپوزیسیون، جایگاه آن در نظام‌های دموکراتیک و تمایز میان نقد اصلاح‌گرایانه و موضع براندازانه، برای تحلیل بهتر وضعیت سیاسی کشور امری ضروری است. به همین منظور، در این گفت‌وگو با صادق زیباکلام، استاد پیشین علوم سیاسی و تحلیل‌گر مسائل سیاسی، به بررسی معنا و کارکرد اپوزیسیون در جامعه ایران پرداخته‌ایم. این مصاحبه تلاش دارد تا ضمن تبیین ریشه‌ها و تحولات تاریخی این مفهوم در ایران، نسبت آن را با گفت‌وگوی ملی، اصلاحات و تقویت ساختارهای سیاسی بررسی کند.

هستم، حمله به ایران را نیز به شدت رد می‌کنم.

به اعتقاد من، مقصود آقای دکتر پزشکیان به هیچ وجه گفت‌وگو با کسانی نیست که به دنبال براندازی نظام هستند؛ اصولاً چنین گفت‌وگویی ممکن نیست

به اعتقاد من، مقصود آقای دکتر پزشکیان به هیچ وجه گفت‌وگو با کسانی نیست که به دنبال براندازی نظام هستند؛ چرا که اصولاً چنین گفت‌وگویی ممکن نیست. کسی که می‌گوید این نظام باید سرنگون شود، باید نیست و نابود گردد و نظامی دیگر جایگزین آن شود، اساساً جای گفت‌وگو باقی نمی‌گذارد. برداشت من این است که منظور رئیس جمهوری از گفت‌وگو با اپوزیسیون، گفت‌وگو با افرادی است که چه در داخل کشور و چه در خارج، خواهان براندازی نیستند، بلکه به دنبال ایجاد تغییرات و تحولات مثبت در کشورند، کسانی که دغدغه اصلاح و پیشرفت دارند، نه تخریب و سرنگونی.

◀ زمینه‌های مطرح شدن این موضوع از کجا شروع شده است؟

این موضوع‌گیری، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر، مطرح شده است. هرچند نظام تبلیغ می‌کند که مردم متحد بودند و پشت نظام ایستادند، اما واقعیت این است که ما با بحران‌های عمیق سیاسی مواجه هستیم. صرف اینکه بسیاری از مردم با نخبگان، پس از حمله اسرائیل یا آمریکا به ایران، در کنار دشمن قرار نگرفتند، به هیچ‌وجه به معنای همراهی یا رضایت صد درصدی نیست. متأسفانه، برخی با تبلیغات چنین القا می‌کنند که هرکس با حمله آمریکا یا اسرائیل مخالفت کرده، در سمت طرفدار قرار می‌گیرد که این ادعایی ناپساست. به عنوان نمونه، بنده چند ساعت پس از حمله اسرائیل به ایران، در تویییتی این حمله‌را محکوم کردم و نوشتم که چگونه می‌توان در کنار دشمن قرار گرفت؟ مقصود من از این سخن، خطاب به اپوزیسیون و به‌ویژه رضا پهلوی، بود. با این حال، این موضوع‌گیری به هیچ‌وجه به معنای چشم‌پوشی از انتقادات نیست؛ آن انتقادات همچنان به‌قوت خود باقی، اما در عین حال که معترض به برخی عملکردها

فریدون مجلسی مطرح کرد:

مذاکرات دوباره می‌تواند ما را از بن بست خارج کند

بگذاریم، پذیرای FATF باشیم و اطمینان حاصل کنیم که تراکنش پول‌ها و اقدامات مادر چارچوب قوانین بین‌المللی انجام می‌شود. این از جمله مسائلی است که می‌تواند از اتهام کمک مالی به تروریسم و پول‌شویی و قاچاق مواد مخدر جلوگیری کند. باید به زندگی ادامه دهیم و از این همه استرس، نگرانی و جنگ برای ملت کم کنیم. باید قدری بیشتر به فکر خودمان باشیم و ظلم‌هایی را که نسبت به آنان شده است، محکوم کنیم و ابراز همدردی داشته باشیم. همچنین باید از حقوق آنها در مجامع بین‌المللی حمایت کنیم و همان‌کاری را انجام دهیم که دیگران با ما می‌کنند. وی در خصوص خروج از بن بست با مذاکرات تصریح کرد: مذاکرات دوباره می‌تواند ما را از بن بست خارج کند؛ البته باید به‌طور واضح بیان شود که دیگر زمان مذاکره برای انطباق فعالیت‌های خود در مقابل قراردادهای گذشته گذشته است. امروز باید چانه‌زنی کنیم تا آنها انتظار از ما به عنوان کشوری تسلیم‌شده و شکست‌خورده نداشته باشند. باید رفتار سالم‌ت‌آمیز و صلح‌جویانه خود را به‌طور حرفه‌ای به اطلاع آنها برسانیم و به‌گونه‌ای رسمی اعلام کنیم که مشکلات باید کنار گذاشته شوند تا بتوانیم به توافقنامه‌ای اصولی دست یابیم و این تعهدات را به عهده بگیریم. در مقابل، آنها نیز باید تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی را از سر ما بردارند. آنگاه خواهیم دید که ایران با امکانات زیربنایی اصولی و انسانی که در داخل و خارج دارد و با منابعی که در اختیار دارد، می‌تواند جهشی بزرگ داشته باشد و حتی از کشورهای بره‌های آسیا و عربی پیشی بگیرد. مجلسی در خصوص تئدروها-خارج داخلی، اضافه کرد: تئدروهای خارجی با اتکا و درواکنش به تئدروهای داخلی و تهدیدات برخی نیروهای داخلی مبنی بر نابودسازی اسرائیل، همچنان تئدروی می‌کنند. در مقابل، عده‌ای نیز سکوت می‌کنند و راضی می‌شوند.

تشدید تنش در قفقاز از کریدور ارس تا دالان زنگرور

نظم ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی

دربگیر بازتعریف شد

توافق نامه سه جانبه ۹ نوامبر ۲۰۲۰ که به امضای الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان، نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه رسید، به جنگ دوم قره‌باغ پایان داد. آخرین بند این توافق چنین می‌گوید: «تمامی راه‌های ارتباطی اقتصادی و حمل‌ونقل در منطقه باید بازگشایی شوند. جمهوری ارمنستان باید امنیت ارتباطات حمل‌ونقلی میان مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را تضمین کرده، به‌گونه‌ای که حرکت آزادانه شهروندان، وسایل نقلیه و محموله‌ها در هر دو جهت ممکن باشد. کنترل این ارتباطات حمل‌ونقلی بر عهده نیروهای مرزبانی وابسته به سرویس امنیت فدرال روسیه خواهد بود.» در این بند، نام هیچ مسیر یا دالانی به‌طور مشخص ذکر نشده است. تحولات پس از جنگ نشان داد که نه ایران و نه باکو به این دیدگاه پایبند نیستند. در عوض، هر دو کشور بی‌سرو و صدامسیر دیگری را ترجیح دادند: بازگشایی دالانی که در مجاورت مرز ایران قرار دارد؛ «دالان زنگرور» که حدود ۴۰ کیلومتر طول دارد و با هدف دور زدن حاکمیت ارمنستان طراحی شده است.

◀ سه مسیر؛ یک هدف

بر خلاف تصور رایج، زنگرور تنها گزینه برای اتصال سرزمین اصلی آذربایجان به نخجوان نیست. مسیر دوم که عقلاً تری است، ایجاد راه‌های زمینی مستقیم از طریق ایران یا قره‌باغ است. این مسیرها در صورت اجرا، می‌توانند همگرایی اقتصادی پایداری میان ارمنستان و آذربایجان ایجاد کنند؛ موضوعی بسیار مهم‌تر از دالانی باریک در جنوب که صرفاً از کنار مرز ایران عبور کرده و نخجوان را منزوی می‌کند. با این حذف شده است. گزینه سوم و شاید کارآمدتر، هم‌اکنون نیز وجود دارد: راه‌آهن بلااستفاده قفقاز. اگر هدف واقعی طرف‌ها ایجاد یک دالان منطقه‌ای واقعی است که به نفع هر دو کشور باشد و آنها را به جریان‌های بزرگ‌تر تجاری شرق – غرب متصل کند، بازسازی راه‌آهن منطقی‌ترین راه حل است. اما مشکل سیاسی از اینجا آغاز می‌شود: راه‌آهن ارمنستان توسط شرکت راه‌آهن قفقاز جنوبی اداره می‌شود؛ امتیازی که از سال ۲۰۰۸ تحت قراردادی ۲۰ ساله در اختیار راه‌آهن روسیه است. بازگشایی این مسیر، زیرساخت و نفوذ روسیه را تقویت می‌کند، این دقیقاً همان گزاره‌ای است که ایران و باکو از اجرای آن اجتناب می‌کنند.

◀ اتحاد رقبا علیه مسکو

تحولات سیاسی اخیر در ارمنستان و آذربایجان به‌روشنی نشان می‌دهد که رهبران هر دو کشور هدفی مشترک را دنبال می‌کنند. دولت علی‌اف با سیاستی عاملانه تنش با مسکو را به یک مانع‌از دیپلماتیک تبدیل کرده است. هدف بزرگ‌تر رئیس‌جمهور آذربایجان روشن است: حذف روسیه از معادلات منطقه‌ای. در سوی دیگر، نیکول پاشینیان دیگر برای پنهان‌کردن گرایش خود تلاشی نمی‌کند؛ پروژه حکمرانی او بر اساس به حاشیه‌راندن مسکو بنا شده است. تردید روسیه در حمایت قاطع از ارمنستان در درگیری‌های اخیر، جایگاه منطقه‌ای هر دو کشور را تضعیف و زمینه را برای نفوذ بیشتر غرب فراهم کرد. پس از جنگ دوم قره‌باغ، دولت پاشینیان ارشد را برکنار، روابط این کشور با سازمان پیمان امنیت جمعی را تعلیق و به دنبال مشارکت با اتحادیه اروپا بود؛ هیچ‌کدام از این اقدامات تصادفی نبودند، بلکه نشانه‌ای از چرخش آشکار به سوی غرب‌اند. پاشینیان در این مسیر، تمام مخالفان داخلی را نیز خنثی کرد.

◀ گزینه دالان ارس

اما گزینه‌ای دیگر نیز وجود دارد: دالان ارس به طول ۱۰۷ کیلومتر که حدود ۶۰ کیلومتر آن در خاک ایران قرار دارد. در سپتامبر ۲۰۲۳، رجب طیب اردوغان اعلام کرد که اگر ارمنستان مانع بازگشایی دالان زنگرور شود، کریدور ارس راه‌اندازی خواهد شد. یک ماه بعد، آذربایجان ساخت پلی بر رود ارس در نزدیکی منطقه اغیند را آغاز کرد. تا ژانویه ۲۰۲۴، حدود ۱۵ درصد از مسیر جاده‌ای تکمیل شده بود و ساخت بل نیز با موافقت ایران به مراحل نهایی رسید. موضع تهران کاملاً روشن است. در میانه سال ۲۰۲۳، ایران قاطعانه هرگونه کریدوری که حاکمیت ارمنستان را دور بزند، رد کرد. منطق تهران، بر «عمق راهبردی» استوار است؛ اگر ارمنستان کنترل مرز جنوبی خود را از دست بدهد، ایران از یک همسایه تاریخی و یک دولت حائل طبیعی جدا خواهد شد. از همین رو در مذاکرات سه‌جانبه ۲۰۲۰ پیش از آنکه موضوع زنگرور علنی شود ایران نسبت به سیاست کریدوری طرفین تردید داشت. شاید تهران از ابتدا نیت آذربایجان را درک یا حس کرده بود که این پروژه سرانجام به حذف ارمنستان و روسیه ختم خواهد شد.

◀ آمریکا وارد می‌شود

اگرچه مسکو همچنان به مفاد توافق‌های ۹ نوامبر ۱۱ ژانویه استناد می‌کند و اصرار دارد که طرفین حکم به بازگشایی تمام مس‌برهای منطقه‌ای داده‌اند نه فقط زنگرور، اما واقعیت میدانی چیز دیگری می‌گوید. از سال ۲۰۲۲، تمرکز استراتژیک روسیه به جبهه اوکراین منتقل شده و ظرفیت تأثیرگذاری‌اش در قفقاز جنوبی کاهش یافته است. علی‌اف و پاشینیان در امارات فدرال کرده و دوباره از توافق صلح دو جانبه با محوریت زنگرور سخن گفتند. تهران به وضوح نگران است. نشانه‌هایی وجود دارد که پروژه دالان ممکن است به یک کنسرسیونم بین‌المللی سپرده شود؛ این گزاره به معنای حضور آمریکا یا نمایندگان اروپایی‌ان است. چنین اقدامی به استقرار دشمنان ایران در مرزهای شمالی منجر شده، روسیه از معادلات حذف شده و ایران دور زده می‌شود. در همین راستا، تام باراک، سفیر آمریکا در آنکارا و هماهنگ‌کننده سیاست قفقاز-شام، مستقیماً پیشنهاد داد: «دالان زنگرور را به مدت ۱۰۰ سال به ما اجاره دهید.» ارمنستان و آذربایجان در سال ۲۰۲۰ توافق کردند که «تمام پیوند‌های حمل‌ونقلی را باز کنند.» اما در آوریل ۲۰۲۱، علی‌اف ناگهان موضوع زنگرور را مطرح کرد. او برای توجیه این تغییر، به احتمال انتقام جویی ارمنستان اشاره کرد. اما دلیل واقعی، یک ماه بعد آشکار شد؛ او گفت دالان ضروری است، زیرا راه‌آهن ارمنستان تحت کنترل روسیه است. این اعتراف، پرده از واقعیت برداشت: هر دو دولت به دنبال حذف روسیه هستند و مواضع‌ظاهر متضادشان به نوعی اتحاد ناتواشته تبدیل شد.